

# دفتر خاطرات آندری تارکوفسکی

[۱۹۷۰ - ۱۹۸۶]

مترجم:

عظیم جابری



۱۳۹۵

تاریخ و جغرافیه

مجموعه آثار آندری تارکوفسکی

[۷۲۱-۹۸۸۱]

www.ketab.ir

تارکوفسکی، آندری آرسنیوویچ، ۱۹۳۲-۱۹۸۶ م. Taruski, Andrei Arsenievitch

دفتر خاطرات آندری تارکوفسکی (۱۹۷۰-۱۹۸۶) مترجم عظیم جابری

تهران: افراز، ۱۳۹۵

۷۰۴ ص.

۹۷۸-۹۶۴-۲۴۳-۹۳۶-۲

فیفا

عنوان اصلی: Journal 1970- 1986

تارکوفسکی، آندری آرسنیوویچ، ۱۹۳۲-۱۹۸۶ م. -- خاطرات

سینما -- روسیه شوروی -- تهیه کنندگان و کارگردانان -- خاطرات

جابری، عظیم، ۱۳۶۳ -، مترجم

PN ۱۹۹۸/۳/ت۲۱۳ ۱۳۹۱

۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲

۳۰۰۶۹۰۳

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

شناسه ی افزوده:

ردمبندی کنگره:

ردمبندی دیویی:

شماره ی کتاب شناسی ملی:



## انتشارات افراز

دفتر مرکزی: خیابان اسپین جنوبی، خیابان وحید نظری، بن بست افشار، پلاک ۱، واحد ۳ | تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

واحد فروش و فروش: خیابان دانشگاه، پایین تر از جمهوری، کوچه دانا، پلاک ۱۲ | تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶

مرکز پخش: ۶۶۴۸۹۰۹۷

فروشگاه: خیابان دانشگاه، مجرای دانا، طبقه منفی یک، کتابفروشی تخصصی هنر و ادبیات افراز | تلفن: ۶۶۹۵۲۸۵۳

وبسایت: [www.afrazbook.com](http://www.afrazbook.com)

E-mail: [info@afrazbook.com](mailto:info@afrazbook.com)

## دفتر خاطرات آندری تارکوفسکی

آندری تارکوفسکی

مترجم: عظیم جباری

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۵

طراحی جلد: یاسین محمدی/ آتلیه افراز

آرایش صفحات: یاسمین حشدری

لیتوگرافی/ چاپ/ صحافی: ترنج/ تصویر/ یکتافر

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست

|          |      |
|----------|------|
| ۲۱.....  | ۱۹۷۰ |
| ۶۳.....  | ۱۹۷۱ |
| ۸۱.....  | ۱۹۷۲ |
| ۹۹.....  | ۱۹۷۳ |
| ۱۲۹..... | ۱۹۷۴ |
| ۱۵۹..... | ۱۹۷۵ |
| ۱۷۹..... | ۱۹۷۶ |
| ۲۰۹..... | ۱۹۷۷ |
| ۲۲۱..... | ۱۹۷۸ |
| ۲۳۷..... | ۱۹۷۹ |
| ۲۹۹..... | ۱۹۸۰ |
| ۳۶۳..... | ۱۹۸۱ |
| ۴۳۵..... | ۱۹۸۲ |
| ۵۲۳..... | ۱۹۸۳ |
| ۵۸۳..... | ۱۹۸۴ |
| ۶۰۹..... | ۱۹۸۵ |
| ۶۳۹..... | ۱۹۸۶ |

## مقدمه‌ی مترجم

کتاب حاضر خاطرات رفته به پایان زندگی تارکوفسکی است. همان گونه که از نام کتاب پیداست زبان کتاب غالباً محاوره‌ای و روزه‌ها را همان لور که فرزند تارکوفسکی می‌گوید گه‌گاه «ناپخته» است. طبیعی است که هیچ کس متن دفتر خاطرات خود را بازخوانی یا ویرایش نمی‌کند و در دم هر آنچه در ذهن دارد برای بیان مقصود به روی کاغذ می‌آورد. از سرف دیو، <sup>۱</sup> در این قول‌های متنوعی از کتاب‌های مختلف در جای جای کتاب به چشم می‌خورد، از موتنتی گرفته تا سرف دیو، مثل ای عایانه. برای ترجمه‌ی این موارد طبیعتاً سعی کرده‌ام این تنوع در ساختار و لحن زبان را حفظ کنم. چنین لحن خود متن خاطرات نیز دستخوش فرازونشیب می‌شود؛ برای مثال، جایی که تارکوفسکی راجع به حقایق و تأملاتی جدی از این دست صحبت می‌کند لحن کلامش ادبی و رسمی می‌شود و از لحن گفتاری <sup>۲</sup> می‌گیرد. همچنین نقل قول‌هایی در کتاب وجود دارد که برگرفته از کتاب‌هایی است که من تازه حال با آن‌ها برخورد داشته بودم. طبیعتاً ترجمه‌ی این قسمت‌ها در پاره‌ای مواقع دشوار بود، چرا که بدون اطلاع از موضوع کتاب و سرف دیو، رای متن، ترجمه خوب از آب در نمی‌آید. برای رفع این مشکل تا جایی که مقدور بود کتاب‌ها را تهیه می‌کردم و در همان لحظه با فضا و موضوع اثر آشنا شوم (برای مثال، تبعات اثر موتنتی)؛ اما در غالب مواقع اثر مورد ترجمه نشده بود و به اصل آن هم دسترسی نداشتم. لذا ممکن است که در ترجمه‌ی این قسمت‌ها اراده‌ی ترجمه بهتر هم امکان داشت اگر به خود کتاب امکان دسترسی می‌بود.

تمام متن کتاب را با نسخه‌ی انگلیسی اثر <sup>۱</sup> تطبیق دادم؛ هرچند که این نسخه نسبت به متن فرانسوی بخش‌هایی را کم دارد از آن بهره‌ی فراوان بردم. در مواردی نادر در متن انگلیسی قسمت‌هایی وجود داشت که در متن فرانسوی نیامده بود. این قسمت‌ها را هم با حروف خوابیده به متن کتاب افزودم و در پانوشت مشخص

1. Tarkovsky, A., *Time Within Time, The Diaries 1970-1986*, translated from the Russian by Kitty Hunter-Blair, faber and faber, first published in 1994.

کرده‌ام که از متن انگلیسی برگردانده شده‌اند.

اکثر پانوشته‌های کتاب را از کتاب اصلی ترجمه کرده‌ام، اما در برخی موارد که ارائه‌ی توضیحات بیشتری را ضروری دیدم از سوی خودم پانوشتی به کتاب افزودم.

در پایان لازم می‌دانم از تمام کسانی که در ترجمه و انتشار این اثر مرا یاری دادند تشکر کنم، خصوصاً که این کتاب اولین، و به احتمال زیاد مهم‌ترین، تجربه‌ی حرفه‌ای من به‌عنوان یک مترجم است.

پیش از همه، از استاد بزرگوارم خانم آنت آبکه که در هر شرایطی یاور بنده بودند بسیار سپاس گزارم.

از آقایان برنار بونژان و اریک بروژمان که نکات بسیار مفیدی را به بنده یادآور شدند بسیار ممنون‌ام.

از خانم سارا حبیبی و همسر مهربان‌شان که نه سال پیش زحمت تهیه‌ی نسخه‌ی فرانسوی کتاب را تقبل

کردند بسیار سپاس گزارم.

از استاد عزیزم خانم مژگان کیوان خسرو که در حق من به‌معنای واقعی کلمه استادی نمودند از صمیم

قلب سپاس گزارم.

و در پایان، از استاد عزیزم مهدی سمائی که همواره به او مدیون هستم و بدون حضور ایشان قطعاً

کتاب حاضر در دست نبوده‌ام، صمیمانه تشکر می‌کنم.

عظیم جابری

پائیز ۱۳۹۰

## مقدمه‌ی مترجم فرانسوی

خاطرات آندری تارکوفسکی از کریل، ۱۹۷۰ آغاز می‌شود. او درست سی و هشت سال دارد و همسرش لاریسا پسرشان آندریوشا را حامله است. به تازگی خانه‌ای ویلاقی خریداری کرده و فیلم خودزندگی‌نامه‌ای‌اش، آینه، در ذهنش در حال شکل‌گیری است. رکوفسکی تاکنون برنده‌ی جایزه‌ی شیر طلایی جشنواره‌ی ونیز برای فیلم کودکی ایوان و لوح یادبود<sup>۱</sup> برای فیلم آسری در تلف شده است. با کمال اطمینان می‌گوید: «دیگر از هیچ چیز نمی‌ترسم». او تصمیم می‌گیرد خاطرات شصت سال را بویسد. اقدامی که همراه می‌شود با الزام وحدتی همواره بزرگ‌تر در زندگی شخصی (زندگی درونی، تاریکی و حرفه‌ای) و تعهدی آشکارتر در فیلم‌هایش در قبال چیزی که از نظر او مهم‌ترین بخش وجودش بر روی زمین است.

به همان میزانی که خاطرات این هفده سال را کندوکاو می‌کند، به فکر کردن به تمام کسانی که مکالمه‌ای به‌ناگاه ناتمام‌مانده با آن‌ها می‌توانست از سر گرفته شود، دست‌نرم، احساسات می‌شدیم. ما یک کتاب - قطب‌نما کشف کردیم؛ کتابی راه‌نما و به همین میزان اسرارآمیز. این کتاب ترکیبی است از روزشمارها، پروژه‌های کاری، تأملات، پرسش‌ها و گاهی هم پاسخ‌ها که مجموعه‌ی ده دفتر را سرچشمه‌ی دید از انواع گوناگون بود؛ این یادداشت‌ها ابتدا به‌منظور چاپ اندیشیده نشده بودند (متنی شتاب‌زده و فوری همراه با طرح‌ها، نقشه‌ها و کارت پستال‌ها نیمی از دست‌نوشته‌ای بود که به ما دادند و نیمه‌ی دیگر، یعنی خاطرات سال ۱۹۸۲ به بعد، به‌صورت ماشین‌نویسی شده به ما تحویل داده شد). بنابراین به‌نظرمان می‌رسد که باید با سبک ناخودآگاه و تقریباً شفاهی اثر، سبک‌های بیان غالباً روزمره‌اش، بدخلقی‌ها یا مجادلاتش با احترام و شکیبایی برخورد کنیم.

تا جایی که امکان داشت نقل‌قول‌های بسیار زیادی را که به‌عبارتی چشم‌انداز فرهنگی نویسنده را ترسیم

۱. جایزه‌ی ویژه‌ی منتقدان در جشنواره‌ی کن ۱۹۶۹ م.

می‌کنند از روی ترجمه‌های فرانسوی موجود بازنویسی کردیم. برای تلفظ نام اشخاصی که در دفتر خاطرات به روسی هستند شکل رایج آن‌ها در زبان فرانسوی را به کار بردیم. سرانجام برای راحتی خواننده نام‌های خانوادگی را به‌طور دائم نگه نداشتیم.

تقریباً علی‌رغم میل‌مان تا لحظه‌ی مرگ با رازگویی‌ها و دیدگاه‌های آندری تارکوفسکی همراه بودیم. همان‌طور که او در رؤیایی در دفتر خاطرات در ۹ ژوئن ۱۹۸۰ می‌گوید، گاهی مقتدر و آرام که در جذب نگاه دیگران بی‌پایان است برایمان باقی مانده است.

آن کیشیلوف<sup>۱</sup> و شارل ه. دو برانت<sup>۲</sup>

## مقدمه‌ی فرزند تارکوفسکی

این کتاب آخرین چاپ بازنگر شده و کامل شده‌ی خاطرات شخصی پدرم پس از چاپ به زبان ایتالیایی است. این چاپ از زمان اول چاپ در دهه ۱۹۷۰ میلادی به زبان فرانسوی با صفحات و یادداشت‌های فراوانی که در آرشیوهای مؤسسه‌ی بین‌المللی تارکوفسکی در فلورانس و مسکو یافت شد غنی گشته است. بنابراین می‌توان آن را با افزوده‌ها و اصلاحاتش به‌عنوان نسخه‌ی نهایی در نظر گرفت.

خاطرات شخصی پدرم با تمام ناپختگی‌ها، صداقتش و مسر بر تلاطم هنرمندی را به ما نشان می‌دهد که در جست‌وجوی آزادی‌اش است. به گفته‌ی دقیق تر روی «آزادی‌ای که او در آن یک بار برای همیشه مسئولیت سرنوشتش را می‌پذیرد و متعهد می‌شود که کاملاً در خدمت هنرش باشد. تصمیمی قاطع که به‌طور اجتناب‌ناپذیری روابط او را با خانواده، دوستان و هرکدام از مخاطبان مشخص می‌کند. در لابه‌لای صفحات این خاطرات، شخصیت هنرمند و انسانی وجود دارد که به‌شکل بی‌پایان را می‌آشکار می‌شود. با این حال، هیچ نشانی از «صدایی که ناامیدانه و تسکین‌ناپذیر در بیابان فریاد می‌زند» وجود ندارد، بلکه این ستایش تأثرباری از زندگی است، ستایشی پر از امید و ایمان، تا در مواجهه با مرگ، «گریه را برآورد و هدف از هنرش، آرمانش و ابزاری چیزی جز واپسین حرکتی عاشقانه در قبال انسانیت نبود.

پدرم گاهی به من می‌گفت: «انسان برای خوشبخت شدن آفریده نشده، چیزهای بسیار مهم‌تری وجود دارد...». ما دوست نداریم زیاد به این فکر کنیم، اما جست‌وجوی حقیقت همیشه راه دردناکی است و پذیرفتن آن و تغییر دادش به «راه شناخت» تنها مسیر ممکن برای درک حقیقت است. زندگی او، فیلم‌هایش و خاطرات شخصی‌اش در این مسیر بود. همچنین این‌ها خاطراتی است که من از او دارم؛ خاطراتی که به‌رغم سپری شدن هجده سال از مرگ او هنوز سرشار از زندگی و اطمینان است. موضوع این است که مرگ برای جانی که عشق در آن ساکن است معنایی ندارد.

پدرم خاطراتش را «مصیبت‌نامه» می‌خواند، یعنی خاطره‌ی رنج‌ها، عنوانی که بار دیگر بر برداشت او از

زندگی به عنوان راه شناخت تأکید می‌کند، راهی که از مسیر دنیوی انسانی که گرفتار عذاب میان جسم و روح، زندگی و مرگ است جداشدنی نیست. او این راه را تا به انتها پیمود و پیروز از آن بیرون آمد. صفحات این کتاب این موضوع را اثبات می‌کند و به چاپ رساندن آن‌ها به آن گواهی می‌دهد.

می‌خواهم از تمام کسانی که برای چاپ این اثر کمک کرده و همکاری داشته‌اند تشکر کنم، به‌ویژه از آن کیشیلوف برای ترجمه‌ی متن روسی و شارل هـ برانت برای ویرایش متن فرانسوی.

آندری آ. تارکوفسکی

۲۰۰۴

www.ketab.ir